



دانشگاه علامه طباطبائی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته حقوق بین الملل

عنوان:

**مبارزه با تروریسم از منظر حقوق
بشر دوستانه بین المللی**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین شریفی طراز کوهی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر سیدقاسم زمانی

نگارنده:

فروغ شعبانی

سال تحصیلی:

۸۸ - ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ او

کہ ہرچہ دارم از اوست

تقدیم بہ مادرم

تقدیر و سپاسگزاری... .

بارها تورا سپاس که فضیلت را کران نیست و شکر را زبان نیست

اتمام این پایان نامه حاصل راهنمایی ها و مساعدت عزیزانی است که خود را قدردان زحمات آنان می دانم بر خود فرض می دانم سپاس و شکر خود را از کلیه اساتید بزرگوار و اندیشمندی که در طول دوران کارشناسی ارشد مرا از انوار بیکران دانش خویش بهره مند ساخته اند ابراز نمایم.

از استاد فرزانه ام جناب آقای دکتر حسین شریفی طراز کوهی که صبورانه راهنمایی اینجانب را در انجام پایان نامه حاضر قبول زحمت فرمودند، و نیز از استاد گرامی جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی که افتخار شاگردی ایشان را طی دوران کارشناسی و کارشناسی ارشد داشته ام، به پاس قبول زحمت مشاورت این پایان نامه سپاسگزار و سلامتی و توفیق روز افزون این عزیزان را از خداوند متعال خواستارم.

خالصانه‌ترین سپاس‌هایم را به محضر دوستان و همکلاسی‌های مهربانی تقدیم می‌دارم که در طول این دوره تحصیلی آفریننده‌زیباترین خاطرات برایم بودند.

از مسئولین محترم موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش که مراد انجام پژوهش‌هایم را در اختیارم نمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در نهایت والاترین سپاس خود را به محضر خانواده بزرگوارم که همواره دریای بیکران مهر و محبت و خورشید تابان بر من ارزانی داشتند تقدیم می‌نمایم، به امید آنکه قطره‌ای از دریای بیکران محبتشان را پاشگو باشم.

چکیده

پدیده تروریسم به خصوص در سالهای اخیر همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین معضلات پیش‌روی جامعه جهانی خودنمایی کرده است. نتیجه این خودنمایی بیش از آنکه به بررسی ابعاد متفاوت این پدیده و ارائه سیاست‌های پیش‌گیرانه منتهی شود، عکس‌العمل سریع، ناهماهنگ و بعضاً خشن دول قربانی را در پی داشته است. چنین عکس‌العملی که گاهی تا حد یک نبرد نظامی و به بیان دقیق‌تر گونه‌ای مخاصمه مسلحانه پیش رفته، منجر به حدوث اختلاف نظراتی اساسی در زمینه وضعیت مرتکبان اقدامات تروریستی درگیر در این مخاصمه شده است.

از آنجا که غالب دول قربانی تروریسم و یا در معرض تروریسم در موضع نبرد با این پدیده، ترجیح می‌دهند مرتکبان یا متهمان به اقدامات تروریستی را خارج از قواعد حقوق بین‌الملل و کاملاً براساس صلاحدید خود مورد بازجویی و محاکمه قرار دهند، در این نوشتار برآنیم که وضعیت، حقوق و تکالیف مرتکبان اقدامات تروریستی را بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه مورد مذاقه قرار دهیم.

فهرست مطالب

طرح تحقیق	۱
تیین مساله	ب
سوالات تحقیق	م
پیشینه تحقیق	م
اهداف تحقیق	ن
فرضیه ها	س
تعریف مفاهیم	ع
روش تحقیق و گردآوری داده ها	ف
نقطه تمرکز تحقیق	ف
سازماندهی تحقیق	ف
فصل اول: مبانی نظری ارتباط میان تروریسم و حقوق بشر دوستانه	۱
مقدمه	۱
گفتار اول: تعریف تروریسم در پرتو رویکرد جامعه بین‌الملل	۵
گفتار دوم: اقدامات جامعه بین‌الملل در مبارزه با تروریسم	۲۰
بند اول : کنوانسیونها	۲۱
بند دوم : قطعنامه‌ها	۲۹
الف : قطعنامه‌های مصوب مجمع عمومی	۲۹
ب: قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت	۳۳
بند سوم: ارزیابی عملکرد جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم	۳۵
گفتار سوم : انواع تروریسم	۳۸
بند اول: تروریسم دولتی	۳۹
بند دوم: تروریسم غیر دولتی	۴۵
گفتار چهارم: بررسی وضعیت نهضت‌های رهایی‌بخش ملی	۵۲

۵۲	بنداول: فرآیند شکل‌گیری نهضتها
۵۴	بند دوم: حق تعیین سرنوشت
۶۱	بند سوم: معیارهای شناسایی نهضتها
۶۴	بند چهارم: ارزیابی معیارها
۶۸	گفتار پنجم: پیشینه قواعد حقوق بشر دوستانه
۷۷	بند اول: حقوق لاهه
۸۰	بند دوم: حقوق ژنو
۸۴	گفتار ششم: اصول اساسی حقوق بشر دوستانه
۸۴	بند اول: اصل محدودیت
۸۷	بند دوم: اصل تفکیک
۸۷	بند سوم: اصل ضرورت
۸۸	بند چهارم: اصل تناسب
۸۹	گفتار هفتم: بررسی قواعد حقوق بشر دوستانه در ارتباط با تروریسم
۹۳	بند اول: کنوانسیون منع گروگانگیری مصوب ۱۹۷۹
۹۵	بند دوم: کنوانسیون منع بمب‌گذاری تروریستی مصوب ۱۹۹۷
۹۹	گفتار هشتم: حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر
۱۰۸	فصل دوم: تاثیر متقابل تروریسم و حقوق بشر دوستانه بر یکدیگر
۱۰۹	مقدمه
	گفتار اول: وجود مخاصمه مسلحانه میان یک گروه تروریستی
۱۱۱	و یک دولت قربانی؟
۱۲۳	گفتار دوم: توسل به دفاع مشروع در مقابل حملات تروریستی
۱۳۵	گفتار سوم: تبیین مفهوم رزمنده و تفکیک آن از غیر رزمندگان
۱۳۵	بند اول: رزمندگان قانونی
۱۴۲	بند دوم: غیررزمندگان

۱۴۴	بند سوم: غیر نظامیان
۱۴۹	بند چهارم: اسرای جنگی
۱۵۷	گفتار چهارم: رزمندگان غیرقانونی و جنایتکاران جنگی
۱۵۸	بند اول: رزمندگان غیرقانونی
۱۵۸	۱: گروه اول
۱۵۸	الف: جاسوسان
۱۵۹	ب: مزدوران
۱۶۰	۲: گروه دوم
۱۶۰	الف: غیررزمندگان همراهی کننده نیروهای مسلح
۱۶۱	ب: غیرنظامیان
۱۶۴	بند دوم: جنایتکاران جنگی
۱۶۴	الف: تبیین جنایت جنگی
۱۶۸	ب: تفاوت جنایتکاران جنگی و رزمندگان غیرقانونی
۱۷۳	گفتار پنجم: تبیین وضعیت توقیف شدگان طالبان و القاعده
۱۷۳	بند اول: چگونگی وقوع مخاصمه و چالشهای ناشی از آن
۱۷۷	بند دوم: اعمال ماده ۴ سند سوم ژنو بر توقیف شدگان طالبان و القاعده
	گفتار ششم: حمایت رزمندگان غیرقانونی بر اساس حقوق بشر و
۱۸۶	حقوق بشر دوستانه
۱۸۹	بند اول: منع توقیف خودسرانه رزمندگان غیر قانونی
۱۹۲	بند دوم: رفتار انسانی نسبت به رزمندگان غیرقانونی
۱۹۶	بند سوم: رزمندگان غیرقانونی و حق برخورداری از محاکمه عادلانه
۲۰۲	نتیجه گیری
۲۰۹	فهرست منابع

طرح تحقيق

تبیین مسأله

یکی از ویژگی‌های روابط انسانی، وجود برخورد، تعارض و منازعه در امور و سطوح مختلف است. بواقع منازعه وضعیتی است که در آن «گروه انسانی معینی با گروه یا گروه-های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، تعارضی آگاهانه داشته باشند»^۱ پدیده تروریسم و اشکال و مصادیق مختلف آن از آشکارترین جلوه‌های منازعات اجتماعی است که به خصوص در چند دهه اخیر به شدت گسترش یافته و به یمن برخورداری از تکنولوژی نوین، بیش از هر زمان دیگری جامعه بین‌المللی را در معرض تهدید قرار داده است. تروریسم بعنوان یکی از بزرگترین موانع بر سر راه توسعه اجتماعی و اقتصادی ملتها، امروزه مهمترین عامل تهدیدگر صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. این پدیده غیر انسانی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی را نقض نموده و با ایجاد رعب و هراس در میان جوامع، امنیت را در روابط بین‌المللی به مخاطره می‌اندازد. بر این اساس امروزه لزوم توجه بیشتر و همه جانبه به این پدیده مرگبار مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفته است.

تلاش جامعه جهانی در مبارزه با معضل تروریسم با تأسیس جامعه ملل آغاز گردیده و با تشکیل سازمان ملل ادامه یافت. هرچند به دلیل اینکه اعمال تروریستی در زمان تصویب منشور ملل متحد ابعاد گسترده‌ای نداشت بطور مستقیم در منشور به تروریسم و نحوه مبارزه با آن اشاره‌ای نشد، ولی به مرور زمان با گسترش اقدامات تروریستی و با توجه به این نکته اساسی که یکی از اهداف مورد نظر ملل متحد، همکاری در جهت احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی است،^۲ موضوع تروریسم بطور جدی در سازمان ملل مطرح شد و به دلیل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که جزو اهداف بنیادین سازمان ملل

است^۴ و با توجه به اینکه تروریسم محل این صلح و امنیت می باشد، ارکان مختلف سازمان بویژه مجمع عمومی و شورای امنیت موضوع تروریسم را تحت بررسی قرار دادند. مجمع عمومی به دنبال گسترش اقدامات تروریستی در دهه ۱۹۷۰ در اجلاس بیست و هفتم خود^۵ ضمن تصویب قطعنامه ای^۵ پیشنهاد تشکیل کمیته ای ویژه جهت رسیدگی به معضل تروریسم را ارائه داد و مقرر شد که این کمیته پس از تشکیل در سه بعد تعریف تروریسم، بررسی علل و انگیزه های تروریسم و ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری از اقدامات تروریستی فعالیت نماید. در طول مذاکرات این کمیته تلاشهای زیادی جهت ارائه تعریفی واحد از پدیده تروریسم به عمل آمد. ولی متأسفانه به دلیل اختلاف نظر میان دول کمونیست و دولتهای جهان سومی با دول غربی نتیجه مطلوب و معینی حاصل نشد.^۶ با این حال تا امروز ۱۳ کنوانسیون بین المللی در رابطه با فعالیتهای خاص تروریستی در سازمان ملل به تصویب رسیده که حقیقتاً «نشان دهنده آگاهی بین المللی از اهمیت مبارزه با تروریسم از طریق همکاری و انجام اقدامات مشترک است.»^۷ از جمله این کنوانسیونها می توان به کنوانسیون جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما (۱۹۷۰)، کنوانسیون منع و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک (۱۹۷۳)، کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری (۱۹۷۹)، کنوانسیون بین المللی جلوگیری از بمب گذاری تروریستی (۱۹۹۷)، کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی (۱۹۹۸) و کنوانسیون بین المللی جلوگیری از تأمین مالی تروریسم (۲۰۰۰)، اشاره نمود. کنوانسیونهای بین المللی مذکور بعنوان یکی از مهمترین منابع حقوق بین الملل در مسیر مبارزه جهانی با تروریسم همواره در صدد حراست از اصول اساسی و انسانی مدنظر اعضای جامعه بین المللی بوده اند.

^۴ -U.N.Doc. A/8791, 8 September, 1972.

^۵ -GA/Res/30,34(1972), 18 December

^۶ -UN Report of the ad Hoc committee on international terrorism, G.A.O.R. Supp.28(A/9028), 1973, p: 13.

UN Report of the ad Hoc committee on international terrorism, G.A.O.R Thirty fourth session, supp 37, (A/34/37), 1979, p.5

علاوه بر کنوانسیونها، مجمع عمومی قطعنامه‌های متعددی را نیز به تصویب رسانده و در این قطعنامه‌ها تروریسم را از مصادیق جنایت به شمار آورده^۸ و از دولت‌ها خواسته تا حداکثر توجه و همکاری را در فرآیند مبارزه با این پدیده مبذول دارند.

در مجموع بررسی اقدامات مجمع عمومی نشان می‌دهد که این رکن تروریسم را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند و این نکته در اعلامیه مجمع عمومی درباره «اقدامات برای رفع تروریسم بین‌المللی»^۹ نیز صراحتاً بیان شده است. البته نباید از این امر غافل شد که بسیاری از تدابیر اتخاذ شده از سوی مجمع عمومی جنبه توصیه داشته و کشورها الزامی به اجرا و رعایت آنها ندارند.

به موازات مجمع عمومی، شورای امنیت نیز از طریق تصویب قطعنامه و تأسیس چند نهاد فرعی^{۱۰} در مسیر مقابله با تروریسم فعال بوده است. مبنای صلاحیت شورا در مقابله با تروریسم را باید در مواد مختلف منشور ملل متحد و وظایفی که طبق منشور به عهده شورا واگذار شده جستجو نمود. بر اساس منشور مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت است.^{۱۱} که در راستای این مسئولیت ابزارهایی را در قالب فصول ششم و هفتم منشور در اختیار دارد.^{۱۲} بر این اساس هرگاه شورا تشخیص دهد که دوام یک اختلاف احتمالاً صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر خواهد انداخت بر طبق فصل ششم منشور تدابیری را برای حفظ صلح توصیه می‌نماید.^{۱۳} ولی اگر وجود تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی بالفعل باشد یا نقض صلح احراز شود، شورا بر طبق فصل هفتم منشور تصمیمات الزام آور اتخاذ می‌کند.^{۱۴}

^۸ -G.A/Res/44/29.(1989)

G.A/Res/46/57.(1991)

^۹ G.A/Res/49/60,annex, (1994), 9 December

^{۱۰} از جمله این نهادها فرعی کمیته ۱۲۶۷ است که پیرو قطعنامه ای در ۱۹۹۹ جهت مقابله با اقدامات طالبان و القاعده تشکیل شد و همچنین کمیته ضد تروریسم که در سال ۲۰۰۱ جهت نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ از ۱۵ عضو شورای امنیت تشکیل گردید.

به واقع علت تلاش شورای امنیت را جهت مقابله با تروریسم می‌توان در راستای تلاش شورا جهت حفظ صلح توجیه کرد. البته توجه به اقدامات این رکن نشان می‌دهد که شورا همواره از روش یکسانی استفاده نکرده و با این پدیده برخوردهای متفاوتی داشته که ناشی از ملاحظات سیاسی اعضای دائم این نهاد و تفسیر موسع شورا از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی یا تهدید صلح بوده است.

از سوی دیگر در راستای تلاش ارگانیک و همکاری سازمان یافته اعضای ملل متحد در مقابله و برخورد با تروریسم و تحکیم و افزایش این تلاشها، دولتهای عضو سازمان ملل مرحله جدیدی را در تلاش خود در این زمینه آغاز نمودند و در ۸ سپتامبر ۲۰۰۶ با تصویب قطعنامه‌ای^{۱۵} بر سر یک استراتژی جهانی برای مقابله با تروریسم توافق نمودند. این استراتژی که عملاً در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ فعال گردید موجب شد که برای اولین بار تمام کشورهای جهان مشترکاً بر یک روش استراتژیک برای مقابله با تروریسم موافقت نمایند. استراتژی مذکور در قالب یک طرح جامع و ملموس به موارد ذیل می‌پردازد: بررسی شرایطی که منجر به افزایش تروریسم می‌شود، روشهای جلوگیری و مبارزه با تروریسم، انجام اقداماتی به منظور ایجاد صلاحیت برای دولتها در جنگ علیه تروریسم، گسترش نقش سازمان ملل در مبارزه با تروریسم و تضمین پذیرش و رعایت حقوق بشر در مسیر مبارزه با تروریسم.

علیرغم تمام تلاشهای صورت گرفته از سوی نهادهای بین‌المللی و بالخصوص سازمان ملل متحد، متأسفانه باید اذعان داشت که تا امروز هیچ سند جامعی در رابطه با تروریسم تنظیم نشده که در بردارنده کلیه اصول و قواعد مرتبط با این پدیده و تنظیم کننده یک رژیم حقوقی خاص برای این معضل باشد و به همین ترتیب تعریف واحد و یکنواختی نیز از پدیده تروریسم در دست نیست. البته همانگونه که پیش از این نیز ذکر گردید، تلاشهای فراوانی به خصوص از طریق مجمع عمومی سازمان ملل جهت ارائه تعریفی واحد از تروریسم به عمل آمد که به دلیل اختلاف نظر میان دول کمونیست و دولتهای جهان سوم با

¹⁵ - G.A/Res/60/288.

دول غربی بی‌نتیجه ماند. بررسی تلاش‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که «سازمان ملل متحد تا کنون نتوانسته است به هیچ پیشرفتی در زمینه تعریف تروریسم بین‌المللی دست یابد یا درباره چگونگی مقابله با عملیات تروریستی به توافق برسد. عباراتی که در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در این زمینه آمده کلیاتی است که نمی‌تواند یک تعریف روشن و دقیق از پدیده تروریسم به دست دهد و علت آن هم شاید اختلاف نظر شدید دولت‌ها در مسائل مربوط به جنبه‌های حقوقی و قانونی تروریسم جهانی و عناصر تشکیل دهنده این جرم باشد.»^{۱۶}

با این حال با بررسی اسناد مرتبط در این زمینه می‌توان به عناصر مشترکی در میان تمام انواع اقدامات تروریستی دست یافت، از جمله اینکه غالباً اقدامات تروریستی با انگیزه‌های سیاسی صورت می‌گیرد و مرتکبین این اعمال معمولاً به منظور دستیابی به اهداف و انگیزه‌های شخصی اقدام نمی‌کنند. مرتکبین معمولاً به قصد ایجاد رعب و وحشت در میان عامه مردم دست به اقدامات تروریستی می‌زنند و خشونت آمیز بودن از ویژگی‌های اساسی این اعمال است. «هدف از اعمال تروریستی نیز ایجاد اغتشاش در نظم عمومی و تخریب ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.»^{۱۷}

بواقع می‌توان مهمترین دلیل عدم اتفاق نظر جامعه بین‌المللی در دستیابی به تعریف واحد از تروریسم را تقلیق این مفهوم با شکل‌دیگری از کاربرد زور و خشونت در قالب نهضت‌های رهایی بخش ملی دانست. در چند سال اخیر افزایش توسل به زور و بکارگیری شیوه‌های ممنوعه توسط این نهضت‌ها در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت، باعث درآمیختن دو مقوله تروریسم و نهضت‌های آزادی بخش شده که به دلیل عدم ارائه معیارها و ضوابط دقیق برای تعریف این دو پدیده، مرز میان آنها به درستی تعیین نشده و در بسیاری موارد شناسایی گروه‌های مبارز، با توجه به منافع و مصالح سیاسی دولت‌ها صورت گرفته است،

به گونه‌ای که برخی کشورها اینگونه مبارزات را مشروع تلقی کرده و برخی دیگر در زمره اقدامات تروریستی قلمداد می‌کنند. «واقعیت این است که کشورهای قدرتمند از وجود ابهام میان این دو مقوله به سود خود بهره می‌گیرند و آنرا به مثابه ابزاری برای ادامه سیاستهای استعماری بکار می‌برند. از این رو جنبش‌های آزادیخواه را که در برابر کشورهای سلطه‌گر برخاسته‌اند. تروریست می‌نامند؛ به این سبب تمایلی به پذیرش معیارهای تفکیک این دو مقوله در عرصه روابط بین‌المللی ندارند.»^{۱۸}

وجود تشابهاتی میان اقدامات این نهضتها و اقدامات تروریستی از جمله ، تشابه در ابراز و تشابه در استعمال خشونت یکی از مهمترین دلایل عدم اتفاق نظر جامعه جهانی در ارائه تعریفی قابل قبول از هر یک از دو مقوله تا به امروز بوده است که همانگونه که ذکر گردید زمینه مناسبی را برای سوءاستفاده دولتها در واکنش به هر یک از دو مفهوم ایجاد نموده است.

باید توجه داشت که در منشور ملل متحد حق خود مختاری به عنوان یک اصل^{۱۹} و همچنین حق خودمختاری سرزمینهای تحت سلطه استعمار^{۲۰} به رسمیت شناخته شده و در بسیاری از قطعنامه‌های مجمع عمومی نهضتهای رهایی بخش گروههایی دانسته شده‌اند که برای خود مختاری و رهایی از استعمار و اشغال بیگانه و رژیمهای نژاد پرست در راه احقاق حق تعیین سرنوشت ملت خود مبارزه می‌کنند.^{۲۱} در پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو نیز حق تعیین سرنوشت نهضتهای رهایی بخش به رسمیت شناخته شده است.^{۲۲}

بر این اساس دولتهای کمونیست و جهان سومی اصرار داشتند که قبل از ارائه تعریفی از پدیده تروریسم جامعه بین‌المللی باید ابتدا به تبیین تفاوت‌های تروریسم با جنبش‌های رهایی

²¹ G.A/Res/2625(xxv),1970, 240 October

بخش ملی نظر داشته باشد. قطعنامه ۳۰۳۴ مجمع عمومی که از مبارزات جنبش‌های آزادیخواه حمایت می‌نمود منشاء اختلاف نظر میان دول غرب و شرق بود. بیشترین هراس کشورهای در حال توسعه محدود شدن فعالیت جنبش‌های رهایی بخش بود. به اعتقاد این کشورها هرگونه تلاش برای تعریف تروریسم نبایستی خللی بر فعالیت گروه‌های رهایی بخش وارد آورد. از این کشورها در اجلاس چهل و ششم اعلام نمودند که تشکیل یک کنفرانس جهانی، به پایان دادن به اختلاف نظرهای موجود بر سر تعیین اعمال تروریستی و تداخل عمدی تروریسم با مبارزات رهایی بخش، کمک خواهد کرد»^{۲۲}

در این راستا قطعنامه مصوب ۱۹۹۱ مجمع عمومی^{۲۴} مجدداً بر حق تعیین سرنوشت و مشروعیت جنبش‌های آزادیخواه تأکید نمود. با این حال هرچند تداوم اختلاف نظر در این رابطه در آن برهه زمانی و تا کنون مانع حصول نتیجه‌ای قطعی و قابل قبول گردیده است ولی یک نکته مسلم است و آن اینکه «جامعه بین‌المللی با اعطای جایگاه بین‌المللی مبارزات آزادی‌بخش نهضت‌های رهایی بخش درصدد بوده است این جنبش‌ها را به ازای برخورداری از مجموعه‌ای از حقوق و امتیازات، متعهد به رعایت مقررات بین‌المللی به مربوط به مخاصمات مسلحانه از جمله کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ کند.»^{۲۵}

بواقع این نهضت‌ها در راستای دستیابی به اهداف خود به هیچ عنوان مجاز به توسل به اقدامات تروریستی نبوده و هیچ هدفی را نمی‌توان توجیه‌گر ترور و خشونت قلمداد کرد. همواره باید در نظر داشت که «شیوه دستیابی به حق تعیین سرنوشت نباید برخلاف دیگر قواعد حقوق بین‌الملل و در تعارض با آنها باشد. بر این اساس، مبارزات نهضت‌های رهایی بخش هنگامی مشروع است که مطابق با حقوق جنگ باشد و یکی از بنیادی‌ترین اصول

« () »
۲۴ -G.A/Res/46/104,(1991), 31 october
« »

حقوق جنگ، اصل تفکیک هدفهای نظامی از هدفهای غیرنظامی است. به عبارت دیگر، نهضت‌های رهایی بخش باید همه جوانب و ابعاد حقوق بشر دوستانه را رعایت کنند.»^{۲۶}

از سوی دیگر باید توجه داشت که حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که خسارت جبران ناپذیری را متوجه امنیت و سیاست دولت ایالات متحده نمود، نشان داد که در عصر حاضر و علیرغم اعمال شدیدترین و پیشرفته‌ترین تدابیر امنیتی، حتی قدرتمندترین دولت‌ها نیز از آماج حملات تروریستی در امان نیستند و بر این اساس دولت‌ها به اهمیت روزافزون گسترش تلاش‌های جهانی در جهت مقابله با معضل تروریسم عنایت ویژه مبذول داشتند و پیرو صدور قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت مصوب ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ که تروریسم را تهدیدگر صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد^{۲۷} و قطعنامه ۱۳۷۳ که دولت‌ها را مکلف کرد در مسیر مبارزه با تروریسم از هیچ اقدامی فروگذار ننمایند،^{۲۸} تغییر و تحول رویکرد جامعه بین‌المللی در مسیر مبارزه با تروریسم داخلی و بین‌المللی کاملاً نمایان گردید. قطعنامه ۱۳۶۸ ضمن محکوم کردن اعمال تروریستی و با تأکید بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دفاع مشروع فردی و جمعی را در مقابل تروریسم به رسمیت می‌شناسد و به دولت زیان‌دیده حق توسل به اقدامات مسلحانه را اعطاء می‌کند. همچنین شورای امنیت در این قطعنامه آمادگی خود را برای بکارگیری کلیه اقدامات لازم در پاسخگویی به حملات تروریستی اعلام می‌کند. به این ترتیب شورا به دولت‌ها اجازه می‌دهد که در مقابله با تروریسم به اقدامات نظامی نیز متوسل شوند. در قطعنامه دوم (۱۳۷۳) موضوع تروریسم به صورت عام مورد توجه شورای امنیت قرار گرفته و اجازه استفاده از کلیه ابزارها را بر طبق منشور در مسیر مبارزه با تروریسم به کشورهای اعطاء کرده است. در واقع خطاب این قطعنامه «کلیه کشورها» هستند و نه صرفاً «اعضای ملل متحد». به عبارت دیگر حتی دولت‌هایی که از الحاق به کنوانسیون‌های مربوط به مبارزه با تروریسم امتناع کرده‌اند نیز علیرغم عدم الحاق، مکلف

«

»

²⁷ SC/Res/1368(2001), 12 September

²⁸ -Sc/Res/1373(2001), 28 September

به مبارزه و اقدام علیه تروریسم هستند. به واقع هر چند بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مبارزه با تروریسم جزء اهداف عالی جامعه بین‌المللی قرار گرفت، ولی رویکرد شورای امنیت و تأیید و تجویز صریح توسل به نیروی نظامی در مقابل با تروریسم و مکلف نمودن کلیه اعضای جامعه بین‌المللی به مشارکت در اقدام علیه تروریسم، موجبات سوءاستفاده برخی دولت‌ها را فراهم آورده و سبب شده تا در راستای مبارزه با تروریسم، بسیاری از موازین حقوق بشر و بشر دوستانه تحت عنوان مبارزه با اقدامات تروریستی نادیده انگاشته شود، غافل از اینکه ضرورت و اهمیت مبارزه با معضل تروریسم در حدی نیست که به دولت‌ها اجازه نادیده گرفتن و پایمال نمودن حقوق و آزادیهای افراد را اعطاء نماید، هرچند که این افراد مرتکب ترور اقدامات تروریستی شده باشند.

درگیریهای نظامی بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق به ادعای مبارزه و برخورد با دول تروریست یا حامی تروریسم، بسیاری از موازین حقوق بشر و بشر دوستانه را تحت الشعاع قرار داد و این در حالی است که قواعد حقوق بشر دوستانه بدون توجه به مشروعیت و عدم مشروعیت مخاصمه و نیز بدون توجه به انگیزه مرتکب بطور مطلق و عام قابل اعمال است و هیچگونه انگیزه یا ویژگی خاصی در افراد درگیر در مخاصمه آنان را از شمول قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی خارج نمی‌کند. پر واضح است که اصول اساسی حاکم بر قواعد حقوق بشر دوستانه از جمله محدودیت طرفین متخاصم در توسل به شیوه‌ها و وسایل جنگی، توجه به اصل تفکیک اهداف و اشخاص نظامی و غیر نظامی و ممنوعیت استفاده از سلاحهایی که باعث ایجاد درد و رنج غیر ضروری می‌شود، بطور مطلق و عام بیان شده و در مقابله با اقدامات تروریستی و مرتکبین این اقدامات نیز قابل اعمال و استناد می‌باشد.

حقوق بشر دوستانه قواعد بین‌المللی است که رفتار نیروهای متخاصم را در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تنظیم می‌کند. در گذشته که جنگ و مخاصمه مهمترین و ابتدایی‌ترین شکل رابطه در میان دولت‌ها را تشکیل می‌داد و در راستای دستیابی به اهداف کشورگشایانه دولت‌ها از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند، تنها نکته‌ای که اهمیت نداشت حقوق